

# پاسخ به جرم مشهود در سیاست جنایی ایران با نگاهی به حقوق انگلستان

ابوالحسن شاکری<sup>۱</sup>، مسعود قاسمی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۳/۲۷

## چکیده

**زمینه و هدف:** پاسخ به وقایع مجرمانه مشهود برای تامین امنیت جانی و مالی شهروندان در برابر بزهکاران، به عنوان یک تکلیف از وظایف دولت ها می باشد. در نظام حقوقی ایران که تعقیب مجرمان بر عهده نهاد قضایی است، در مواردی که پاسخ فوری ایجاب می کند و امکان دسترسی به مقام قضایی نیست، قانونگذار با ذکر عنوان جرم مشهود، وظیفه اتخاذ تصمیم و انجام اقدامات لازم برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ ادله جرم را به مقامات غیرقضایی محول کرده است، جایی که احتمال نقض حقوق و آزادی های فردی و جمعی با اتخاذ تصمیم آنی و پاسخ فوری مقامات غیرقضایی بیشتر است.

**روش:** در انجام پژوهش از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی با منبع کتابخانه ای و از شیوه های تحقیق کیفی با لحاظ موازین حقوقی دو کشور ایران و انگلستان به منظور بررسی و تحلیل مقررات چگونگی پاسخ به جرم مشهود استفاده شده است.

**نتایج و یافته ها:** در کشور ایران، قانونگذار زمینه اجرایی شدن توازن بین دو حق بر امنیت و حق بر تامین را در احصاء مصادیق جرم مشهود و اعطاء اختیارات ویژه و استثنایی برای مقامات پلیس در مرحله حین و بعد از وقوع جرائم دانسته است، این در حالی است که در کشور انگلستان، قانونگذار زمینه اجرایی شدن این توازن را در اعطاء اختیار گسترده به پلیس بدون دستور قضایی در مرحله قبل، حین و بعد از وقوع جرائم و بدون در نظر گرفتن فاصله زمانی بین ارتکاب و اطلاع از جرم دانسته است. همچنین در این نظام حقوقی، قانونگذار مقدمات اجرا شدن سیاست جنایی افتراقی را در وجود ظن متعارف و امکان تفسیر موسع آن در جرائم مهم مثل جرائم تروریستی و تفسیر مضیق آن در جرائم عادی و اختیار سلب آزادی و محدودیت در رفت و آمد افراد در مرحله قبل از وقوع جرم برای ماموران پلیس می داند.

## کلید واژه ها

جرم مشهود، اختیارات پلیس، پاسخ آنی، دستگیری، سیاست جنایی ایران.

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول): shakeri\_criminallaw@yahoo.com.

۲. دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه مازندران.

## مقدمه

امروزه که جرم و ترس از آن جزء تجربیات روزمره شهروندان در سرتاسر دنیا شده است، پاسخ به آن به منظور دفاع از جامعه و تامین امنیت جانی و مالی افراد در برابر بزهکاران و ناقضان قانون در وقایع مجرمانه، به ویژه امنیت افراد آسیب پذیر و بزه دیدگان بالقوه، همواره به عنوان یک تکلیف از دل نگرانی های دولت ها محسوب می شود. شاید بر پایه همین نگرانی تامین امنیت بوده است که در سال های اخیر، رویکردهای امنیت مدار، مبنای علمی راهبرد افتراقی و دست کم دوگانه شدن سیاست جنایی بر پایه گونه شناسی بزهکاران و جرائم شده است.<sup>۱</sup>

جرم مشهود با عنصر و ویژگی رویت پذیری و مشاهده شدن عناصرش در سطح جامعه نسبت به جرم غیر مشهود به عنوان گونه ای خاص از جرائم و تعدی و تجاوز آشکار مرتکبان آن به عنوان گونه ای شدیدتر از حالت خطرناک که در حال وقوع است، می تواند یکی از مصادیق خطر و تهدید برای امنیت شهروندان محسوب شود. از این رو پاسخ به این پدیده مجرمانه که در حال وقوع است، می تواند مبنایی برای مدیریت ریسک افراد در مظان ارتکاب جرم باشد و توجه هیات اجتماع که دغدغه پاسخ فوری و آنی به پدیده مجرمانه در حال وقوع را دارند، به خود جلب کند. در نظام حقوقی ایران، قانونگذار به منظور پاسخ به چنین پدیده های مجرمانه ای که به صورت مشهود اتفاق می افتند، با در نظر گرفتن جرم مشهود و با ذکر مصادیق آن، به صورت استثنائی اختیارات قضائی ویژه ای نظیر دستگیری، تحت نظر، تفتیش منازل را به ضابطان دادگستری تفویض، تا مرتکبین در اسرع وقت دستگیر و تحویل مقام صالح قضائی نمایند تا از این طریق هم نظم عمومی به نحو مطلوب حفظ شود و هم عدالت صریح و سریع به اجرا درآید (انصاری، ۱۳۸۰: ۲۲۵). اگر چه در این گونه موارد، تعدی و تجاوز آشکار مجرمین در ملاء عام به جان، مال و

۱. برای اطلاعات بیشتر رک: نجفی ابرنآبادی، علی حسین، درباره امنیت شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین)، دیپاچه در:

رضوانی، سودابه، مدیریت انسان مدار ریسک جرم، انتشارات میزان، ۱۳۹۱

ناموس مردم، بیشترین احساس ترس و ناامنی را ایجاد و باید حق بر امنیت (امنیت جانی - مالی) در اولویت قرار داده شود تا امنیت جانی و مالی شهروندان تضمین شود، لیکن همین شهروندان از حق دیگری به نام حق بر تامین (امنیت حقوقی<sup>۱</sup> قضایی) در برابر مداخله های مقامات قضایی و غیرقضایی نیز برخوردارند، که باید مدنظر کنشگران قرار گیرد. حق بر تامین در واقع، تضمین حمایت از حقوق و آزادی های فردی و جمعی در برابر تصمیم ها و اقدام های غیرقانونی و خودکامه عوامل دولت و حتی شهروندان است. ضرورت برقراری تعادل در تضمین این دو حق بنیادی توسط مقامات غیرقضایی در این مرحله از فرآیند کیفری که خود امنیت آور است، توجه قانونگذاران را به این نکته جلب می کند که تعیین اختیارات ویژه برای اقدام کنندگان باید به گونه ای باشد تا علاوه بر تضمین حق بر امنیت (امنیت جانی - مالی)، باعث نقض حقوق و آزادی های مشروع شهروندان از گذر مداخلات خودسرانه عوامل دولتی و جامعه‌ی در حقوق و زندگی خصوصی مردم نشود (رضوانی، ۱۳۹۱: ۱۹).

تحقیق حاضر افزون بر بررسی سیاست جنایی تقنینی<sup>۱</sup> ایران در جرم مشهود، به مطالعه تطبیقی آن در حقوق انگلستان می پردازد. مطالعه تطبیقی به این دلیل که با استفاده از حقوق تطبیقی، ساختار اساسی نظام حقوقی کشور و جایگاه آن را در میان سایر نظام های حقوقی سنجیده و امکانات و زمینه های واقعی گسترش آن دریافته و ارزیابی می شود (آنسل، ۱۳۹۱: ۱۵). از سوی دیگر مباحثی همچون برقراری امنیت در جامعه و رعایت اصول دادرسی منصفانه، حقوق بزه دیده و توجه به رویکردهای عدالت محور در فرایند کیفری از چالش های و موضوعاتی است که باید با دقت و توجه به شرایط بزهکاری در هر جامعه، پاسخ های مشخص برای آنها را از کشورهای پیشرو در این زمینه از جمله انگلستان پیدا کرد. سؤال های مهم نوشتار حاضر این است که نخست: قلمرو پاسخ هیات اجتماع اعم از دولت و جامعه مدنی به جرم مشهود چیست؟ دوم، چالش های پیش روی ضابطان

دادگستری و مردم در تشخیص جرائم مشهود کدامند؟ سوم، آیا مشهود بودن ارتکاب جرم، سیاست جنایی متفاوتی را می‌طلبد؟ از این رو در این مقاله سعی بر این است، به منظور پاسخ به پرسش‌های مطرح شده با لحاظ موازین حقوقی دو کشور و بررسی و تحلیل مقررات، در گفتار نخست به چگونگی و قلمرو پاسخ به جرم مشهود و در گفتار دوم به مهم‌ترین موارد تردید پاسخ به جرم مشهود و در گفتار سوم به موارد تعدیل پاسخ به جرم مشهود پرداخته شود.

### گفتار نخست: چگونگی پاسخ به جرم مشهود

در نظام حقوقی ایران، قانونگذار به منظور اعطای اختیار به مقامات غیر قضایی در مواردی که ضرورت پاسخ‌آنی ایجاب می‌کند و امکان دسترسی به مقام قضایی نیست، با پیش‌بینی جرائم مشهود، آن را مبنای سلب آزادی متهم بدون دستور قضایی قرار داده است. اما در نظام حقوقی انگلستان مبحثی به نام جرم مشهود<sup>۱</sup> وجود ندارد، ولی مستندات دستگیری متهم بدون دستور قضایی در ماده ۲۴ اصلاحی قانون پلیس و ادله کیفری مصوب ۱۹۸۴<sup>۲</sup> (ماده ۱۱۰ قانون پلیس و جرم سازمان یافته شدید ۲۰۰۵ فعلی<sup>۳</sup>) عنوان شده است.

الف) تکلیف یا اختیار در پاسخ: در کشور ایران، مستند به ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری، مهم‌ترین شرط دستگیری برای ضابطان بدون دستور قضایی، مشهود بودن بزه ارتكابی است و فلسفه اعطای اختیار به ضابطان دادگستری در جرائم مشهود، عدم دسترسی به مقام قضایی برای کسب تکلیف است، چرا که مقنن در ماده ۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مداخله ضابطان دادگستری را پس از حضور دادستان یا بازپرس در صحنه جرم را منع کرده است و در احصاء مصادیق جرم مشهود، شرط عدم حدوث فاصله زمانی بین ارتکاب جرم و اطلاع ضابطان از مآقع را با ذکر واژه‌ی «بلافاصله» لازم دانسته است، این در حالی است که در مقررات کشور انگلستان، شرط عدم فاصله بین زمان ارتکاب و اطلاع

1. flagrant crime

2. Police and Criminal Evidence Act 1984

3. Serious Organised Crime and Police Act 2005

از جرم وجود ندارد و این به دلیل اختیارات وسیع پلیس انگلستان است که خود در نقش مقام قضایی اقدام می کنند. در حقوق انگلستان، معمولاً دعوا توسط اداره دادستانی سلطنتی براساس ماده یک قانون تعقیب جرایم مصوب ۱۹۸۵<sup>۱</sup> شروع می شود. در این رابطه اداره دادستانی سلطنتی مستقل از پلیس عمل می کند و اتخاذ تصمیم در مورد تعقیب بر عهده ایشان است (هیات پژوهشگران کاوندیش، ۱۳۸۹: ۱۵۲). این در حالی است که غالب وظایف مربوط به تحقیقات مقدماتی و دستگیری و سلب آزادی اولیه بر دوش پلیس است و مطابق ماده ۱۰ این قانون، پرونده هایی که توسط پلیس به اداره دادستانی سلطنتی ارجاع می شود، مورد بازنگری جهت تعقیب قرار می گیرند تا معلوم شود که آیا دلایل کافی جهت احتمال واقع بینانه برای محکوم شدن متهم وجود دارد و اگر چنین است، آیا تعقیب به منفعت عموم است یا خیر. از این رو هم اداره دادستانی و هم پلیس می توانند به جرم واقع شده پاسخ و رسیدگی را شروع نمایند. شاید به همین دلیل است که در کشور انگلستان مبحثی به نام جرم مشهود وجود ندارد. براین اساس، سیاست جنایی تقنینی دو کشور در اختیار سلب آزادی افراد بدون دستور قضایی متفاوت است. در ادامه باید شرایط مداخله و دستگیری افراد در پاسخ به جرم مشهود را در ابعاد مختلف بررسی نمود تا دلیل این موضوع روشن تر شود.

در طول تاریخ نظام حقوقی انگلستان نیز تاکید و تکیه زیادی بر شهروند به عنوان بخشی از قوای عدالت جزایی شده و هم اکنون نیز که تقسیم وظایف و تقویت نهادهای اجتماعی مسئول و به طور خاص پلیس، بالاترین سطح خود را نظاره گر است، اختیارات شهروند ابقاء گردیده است. در عمل، پلیس حرفه ای انگلستان همراه با بهره گیری از قدرت شهروندان خوب مسئولیت تعقیب را عهده دار است (اسپنسر، ۱۳۸۴: ۶۲). در دهه های اخیر ظهور مفاهیم و اصطلاحاتی همچون، امور پلیسی جامعه محور، نگهبان محله<sup>۲</sup>، گشت های

---

1. Prosecution of crimes Act 1985  
2. neighbourhood Watch

شهروندی<sup>۱</sup>، شهروند فعال<sup>۲</sup> و مسئول در عمل سیاست کنترل جرم<sup>۳</sup> در کشور انگلستان را به سمت مشارکتی سوق داده است (Bullock, 2014: 147). عمده اختیارات دستگیری توسط شهروندان در نظام حقوقی انگلستان هم اکنون منعکس در ماده ۱۱۱ قانون پلیس و جرم سازمان یافته شدید ۲۰۰۵ می باشد. این قانون وجود دو شرط مهم برای دستگیری شهروندی<sup>۴</sup> را ضروری می داند: اول اینکه، شهروندان باید معتقد باشد که انجام دستگیری توسط پلیس به طور متعارف عملی نیست و دوم اینکه، شهروند باید مبانی متعارفی برای اعتقاد به اینکه دستگیری به دلایل: الف: جلوگیری از ایجاد صدمه ی فیزیکی به هر شخص یا اتلاف یا تخریب اموال توسط شخص دستگیر شده، ب: حمایت شخص دستگیر شده نسبت به ایجاد صدمه به خود و جلوگیری از گریختن وی پیش از اینکه افسر پلیس مسئولیت او را بپذیرد، ضرورت داشته باشد (sanders, ۲۰۱۰: ۱۳۲). با توجه به مقررات قانونی دو کشور، به نوعی می توان سیاست جنایی مشارکتی در جرم مشهود را مشاهده کرد. البته شرایط مداخله و موارد قابل اقدام توسط شهروندان با هم فرق می کند. به عبارتی، در کشور ایران طبق تبصره یک ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری، جرایم داخل در صلاحیت دادگاه کیفری یک، ولی در حقوق انگلستان طبق ماده ۱۱۰ قانون پلیس و جرم سازمان یافته شدید ۲۰۰۵، جرایم همراه با کیفر خواست<sup>۵</sup> به عنوان شرط اقدام شهروندان است. همچنین موضوع اصل ضرورت دستگیری به عنوان یک اصل مترقی در دستگیری شهروندی در حقوق انگلستان قرار دارد که جای آن در مقررات کیفری کشور ایران خالی است.

ب) انواع پاسخ: در ایران طبق ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری، پاسخ هایی که برای ضابطان دادگستری در جرائم مشهود در نظر گرفته شده است: ۱- اقدامات لازم به منظور

1. Citizen Patrols
2. The active citizen
3. Crime control policy
4. Citizen's arrest
5. indictable offence

حفظ آلات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و ۲- جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی ۳- انجام تحقیقات لازم ۴- ارسال بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده به دادستان است. همچنین طبق تبصره یک ماده ۴۵ همین قانون به تمامی شهروندان اجازه داده شده است، در جرایم موجب مجازات سلب حیات؛ جرایم موجب حبس ابد، جرایم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن و جرایم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر را چنان چه به صورت مشهود واقع و ضابطان دادگستری حضور نداشته باشند، اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم را به عمل آورند. در کشور انگلستان، قانونگذار در قانون پلیس و ادله کیفری مصوب ۱۹۸۴ از واژه دستگیری استفاده و آن را در مواردی که بدون دستور قضایی مجاز به اقدام هستند، به عنوان پاسخ برای پلیس و شهروندان در نظر گرفته است. عدم استفاده قانونگذار از واژه دستگیری، ضابطان دادگستری و شهروندان را با این سؤال مهم مواجه می کند که آیا با وقوع جرم مشهود می توانند شخص مرتکب را دستگیر کنند یا خیر؟ آیا منظور از اصطلاح جلوگیری از فرار همان دستگیری است؟

از نظر حقوقی، محدود کردن حق آزادی اشکال مختلفی دارد که یکی از مهمترین آنها سلب موقت آزادی از تن آدمی است که جلوگیری از فرار یا مخفی شدن یکی از صور آن به حساب می آید. به این منظور یکی از طرق جلوگیری از فرار مرتکب دستگیری است که می توان آن را متوقف کردن یا محروم کردن موقت از آزادی آمد و شد هر شخص مظنون یا متهم به ارتکاب جرم به قصد بازجویی، بازرسی یا توقیف در آینده نزدیک دانست. با این تعریف دستگیری متفاوت از توقیف و بازداشت است، مبدا احتساب توقیف و بازداشت همان لحظه دستگیری است. دستگیری دسترسی به مرتکب و شخص مظنون است، به منظور توقف کوتاه و بررسی دلایل و مدارک یا بازداشت و تحت نظر قرار دادن متهم به منظور تکمیل تحقیقات حداکثر به مدت ۲۴ ساعت می باشد.

بایستی توجه داشته باشیم که در حقوق انگلستان شخص دستگیر شده به ایستگاه پلیس برده می‌شود و از زمان ورود به ایستگاه پلیس، باید ظرف ۲۴ ساعت وضعیت اتهامی او مشخص شود و چنانچه ادله کافی برای متهم نمودن فرد وجود داشته باشد، وی متهم می‌شود. پس از آن یا بدون شرایطی آزاد می‌شود و یا به دلیل جزئی بودن اتهام، با دادن وجه الضمان یا کفالت در خصوص بازگشت به ایستگاه پلیس یا حضور در دادگاه «مجستریت» تا موعد مقرر آزاد می‌گردد و یا این که شخص دستگیر شده در زندان نگهداری می‌شود تا به دادگاه «مجستریت» برده شود. چنانچه دلایل کافی برای متهم نمودن فرد وجود نداشته باشد، متهم باید فوراً آزاد گردد مگر این که افسر زندان معتقد باشد که توقیف بیشتر برای حفظ ادله یا دستیابی به ادله از طریق بازجویی ضرورت دارد (Malson: 2007: 127).

نظام حقوقی انگلستان گرچه با وجود قرائن متعارف و اطمینان آور، پلیس را مجاز و مکلف می‌کند در هر سه فرض پیش گفته مداخله و عنداللزوم اقدام به دستگیری نماید، لیکن شهروندان طبق ماده ۲۴ مکرر ۱۹۸۴ و ۱۱۱ قانون پلیس و جرم سازمان یافته شدید ۲۰۰۵، صرفاً زمانی می‌توانند اقدام به دستگیری نمایند که یا بزهی در حال ارتکاب باشد (بند ۱ ماده ۲۴ مکرر قانون ۱۹۸۴) و یا در گذشته بزهی با تمام ارکان حادث گردیده باشد (بند ۲ ماده ۲۴ مکرر قانون ۱۹۸۴). لذا در فرضی که دریابند کسی درصد ارتکاب جرم در آینده است، به هیچ روی حق دستگیری مظنون را نداشته و صرفاً می‌توانند نسبت به اعلام مراتب به مقامات ذی صلاح اکتفا نمایند.

### گفتار دوم: تردید در پاسخ به جرم مشهود

احراز جرم مشهود زمانی که مبتنی بر شهادت عینی اشخاص عادی یا کشف جرم در حضور ضابطان دادگستری باشد، تکلیف ضابطان و اختیار شهروندان در انتخاب نوع پاسخ و حسب مورد جلوگیری از فرار و حفظ و تامین ادله مشخص است. همیشه تشخیص مصادیق جرم مشهود علیرغم احصاء موارد آن در بندهای هفتگانه ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری، به خصوص در مواردی که جرم عمل مجرمانه ای است که در حقیقت



مشهود نیست، ولی قانونگذار به علت وضعیت خاص وقوع، آن را مشهود تلقی کرده است، از سوی ضابطان دادگستری و یا شهروندان عادی به منظور پاسخ مناسب به راحتی ممکن نیست. مواردی مثل حضور بلافاصله مامورین در محل وقوع جرم یا قصد متهم برای فرار بلافاصله پس از وقوع جرم، در صورت عدم وجود دلایلی دیگر دال بر مجرمیت، معمولاً ضابطان دادگستری را در موقعیتی قرار می دهد که انتخاب نوع پاسخ را دشوار می سازد.

الف) ظن متعارف<sup>۱</sup> در مصادیق جرم مشهود: شاید در ابتدا بتوان گفت که احراز جرم در این قبیل موارد به کمک ادله یا قراین مادی یا براهین عقلی که امکان انتساب عمل مجرمانه به شخص معین را متصور می سازد صورت می گیرد، اما در بسیاری از موارد رسیدن به ادله و قراین مادی و قوی در گرو دسترسی به مرتکب و تحقیقات بیشتر از وی براساس ادله و قرائن ضعیف است، موضوع مهمی که ممکن است باعث سلب آزادی افراد شود. با توجه به عموم و اطلاق بندهای ماده ۴۵ قانون مورد اشاره، به نظر می رسد سیاست قانونگذار ایران در خصوص احصاء مصادیق جرم مشهود و تکلیف ضابطان در خصوص مواردی مثل قصد فرار بلافاصله پس از وقوع جرم خود به عنوان مبنایی برای اقدام ضابطان دادگستری در خصوص جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن باشد و به عبارتی ضابطان حق دستگیری فرد به منظور تحقیقات بیشتر را داشته باشند تا در صورت وجود قرائن و امارات قوی، مراتب را فوری و حداکثر تا ۲۴ ساعت برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند (ماده ۴۴، ۴۵ و ۴۶ ق.آ.د.ک). علیرغم اشاره قانونگذار به لزوم ظن متعارف به ارتکاب جرم در دستگیری اشخاص، اکثر حقوقدانان و وجود این مفهوم را در تمام شقوق جرم مشهود ضروری می دانند (انصاری، ۱۳۸۰: ۳۶۱). در رویه اجرایی مقامات پلیس ایران، مظنون گیری افراد به عنوان یک اقدام معمولی با نگرش تأمین امنیت و با تفسیر موسع از بندهای (پ) و (ت) ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری، جایی که علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم وجود دارد یا اینکه متهم در حال فرار است، اجرا می شود، اما مقامات

---

1. Reasonable suspicion

قضایی با تفسیر مضیق قوانین و به دلیل عدم صراحت قانونی به ظن متعارف، اقدام ضابطان در پاسخ به جرم مشهود را فقط در مواردی که جرم مشهود براساس دلایل مادی و به نوعی مشهود واقعی است می‌پذیرند و این نوع نگرش باعث سردرگمی ماموران در اتخاذ تصمیم و نوع پاسخ شده است. این در حالی است که در قوانین انگلستان در بعضی از موارد به وجود ظن متعارف مامور نیاز است و در مواردی حتی اگر مامور هیچ ظن متعارفی نیز نسبت به شخص نداشته باشد و اقدام به سلب آزادی از وی نماید، مورد حمایت قانون است. گاهی اوقات بین دلایلی که می‌تواند موجد ظن معقول و متعارف برای جلب، توقیف کوتاه مدت یا طولانی مدت باشد، تفاوت گذاری می‌شود و به همین ترتیب دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده‌ی مورای علیه پادشاهی متحد بریتانیا تصدیق کرده ظنی که ممکن است، توجیه کننده‌ی یک توقیف کوتاه مدت باشد (دستگیری)، ممکن است توجیه کننده‌ی یک توقیف دراز مدت نباشد (پرویزی فرد، ۱۳۹۱: ۹۹). شاید بر پایه همین استدلال ظنی مثل فرار مرتکب را به تنهایی بتوان به تنهایی توجیه کننده دستگیری به منظور جلوگیری از فرار باشد ولی توجیه کننده بازداشت و تحت نظر قرار گرفتن مرتکب حداکثر به مدت ۲۴ ساعت نباشد جایی که به تحقیقات بیشتر و به داشتن قرائن و امارات قوی نیاز است.

در حقوق انگلستان طبق ماده ۲۴ قانون پلیس و ادله کیفری مصوب ۱۹۸۴، در هر موردی که ضابطان مظنونی را در حال ارتکاب یا در صدد ارتکاب یا مرتکب جرمی بدانند، مشروط به اینکه ظن معقول نسبت به وی را داشته باشند، می‌توانند او را دستگیر کنند. البته قانونگذار در مواردی که ضابطان دارای یک تصور منطبق با واقع<sup>۱</sup> در مورد مظنون هستند، حتی اگر ظن معقول را نداشته باشند، برای دستگیری کافی می‌دانند. ظن معقول و متعارف باید مبتنی بر مبانی معقول باشد، یعنی ضابطان دلایل منطقی برای مظنون شدن به یکی از موارد ماده ۲۴ قانون مذکور را داشته باشند. ظن، درجه اطمینان ذهنی کمتری از قطع و

---

1. Comes true

یقین است. بنابراین لوازم کمتری نیز برای ایجاد آن در یک شخص متعارف مورد نیاز است. همان گونه که لرد دولین در زمان تسلیم نظر هیأت مشاوران سلطنتی در پرونده شعبان بن حسین علیه چونک فوک کام در سال ۱۹۷۰ روشنگری کرد، نیازی نیست که دلیل متعارف مبتنی بر چیزهایی باشد که به عنوان ادله در دادگاه قابل پذیرش هستند. در واقع به چیزی کمتر از آنچه که دادگاه ادله ی محکمه پسند می نامند، نیاز داریم (Murphy, 2002: 963). دلیل معقول و متعارف، معیاری پایین تر از اطلاعات مکفی برای اثبات یک پرونده است که ممکن است دربرگیرنده ی موضوعاتی باشد که اصلاً دلیل نیستند یا اگر چه قابل قبولند اما به تنهایی قادر به اثبات یک موضوع نیستند. هر چند آزادی عمل و اختیار ضابطان در سیستم حقوقی کشور انگلستان بیشتر است ولی قانونگذار، ظنی را که براساس اماره یا امارات منطقی باشد را مبنای دستگیری و پاسخ قرار داده و در این باب خیلی سختگیری به عمل نیاورده است. باید توجه داشت که این عدم سختگیری و پذیرش انعطاف پذیری معیار متعارف بودن ظن، جهت رفع مشکلاتی است که افسران پلیس در اتخاذ تصمیم آنی به سبب فوریت با آن مواجه هستند (فلدمن، ۲۰۰۲: ۳۳۲). به همین جهت، بهتر است مفهوم ظن متعارف در جرائم مختلف به اشکال متفاوتی در نظر گرفته شود، به عنوان مثال در جرایم تروریستی ممکن است به دلیل نیاز به اقدام موثر، ظنی که مبتنی بر اطلاعات غیر قابل افشاء باشد، قابل قبول محسوب شود ولی در جرائم عادی چنین ظنی مورد پذیرش قرار نگیرد.

ب) ورود به منزل یا حفظ حریم خصوصی شهروندان: در سیاست جنایی ایران، ورود به منزل اشخاص و بازرسی از آن، طبق ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری با اجازه مقام قضایی و طبق بند ۴۵ همین قانون با درخواست خود اشخاص ساکن در منزل امکان پذیر است. نکته که در اینجا حایز اهمیت است و موجب تردید می شود، این است که صراحتاً حکم مسئله در خصوص جرائم مشهود جایی که اشخاص ساکن حضور ندارند یا از طرف آنها درخواستی صورت نگرفته است، بیان نشده است و درباره اینکه آیا ضابطان

دادگستری در برخورد با جرائم مشهود در نبود متصرف، بدون اجازه مقام قضایی حق ورود به اماکن خصوصی را دارند یا خیر، دیدگاه‌های متفاوتی است.

نظریه اکثریت کمیسیون مجموعه نشست‌های قضایی در این رابطه این است که: «اگر جرمی مشهود باشد، با شرایط مذکور در ماده ۲۱ قانون دادرسی کیفری، اگر ماموران متهم را تعقیب و در ادامه تعقیب، مجرم وارد منزل شود، بدون کسب اجازه از مقام قضایی می‌توانند وارد منزل شوند، چون ورود به منزل جزو لوازم تعقیب می‌باشد؛ چرا که جرم، اتفاق افتاده و در وقوع آن شکی نیست و مشهود هم هست. لذا اگر وارد منزل نشوند، متهم می‌گریزد و دلایل از بین می‌رود. بنابراین در این موقعیت نیاز به کسب اجازه از مقام قضایی نمی‌باشد. البته جرم باید محرز باشد و زمان ورود ماموران هم بلافاصله باشد.» (مجموعه نشست‌های قضایی مسائل آیین دادرسی کیفری، ۱۳۸۴: ۲۶۴). در تایید نظریه اخیر می‌توان با استناد به مفهوم مخالف ماده ۵۵ و قسمت اخیر ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری استفاده قانونگذار از لفظ عام «تمام اقدامات لازم» است که حق ورود به منزل و بازرسی اشخاص و اشیاء را در جرایم مشهود برای ضابطان دادگستری قائل شد (صفری کاکرودی، ۱۳۸۵: ۵۹). گفتنی است، طبق ماده (۱۳۹) قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطان دادگستری بدون دستور قضایی، زمانی مجاز به ورود به منزل و بازرسی از آن را دارند که دستگیری متهم از هتک حرمت منزل اشخاص مهم‌تر باشد. البته قانونگذار هیچ معیار روشنی را برای تشخیص این موضوع ذکر نکرده است و معلوم نیست که ضابطان دادگستری چگونه باید اهم بودن ورود به منزل غیر را برای دستگیری متهم و تأمین دلیل، از هتک حرمت منزل دیگری تشخیص دهند. ضمناً با وجود شرایط فوق و در صورت احراز شرایط دستگیری، ضابط باید در تعقیب متهم باشد و در همان حالت، متهم وارد منزل خود شود تا همچنان حق دستگیری متهم برای ضابطان وجود داشته باشد، زیرا دستگیری باید متعاقب مشهود بودن جرم باشد و بلافاصله بدون هیچ گونه انقطاع زمانی انجام گیرد.

در حقوق انگلستان، اگر مظنون در هر جایی غیر از اداره پلیس دستگیر شود، اختیار تفتیش برای مامور وجود دارد، مشروط به اینکه مبانی متعارفی برای اعتقاد به اینکه دستگیر شده، ممکن است خطری برای خود یا دیگری ایجاد کند، وجود داشته باشد (بند ۱ ماده ۳۲ قانون ۱۹۸۴). البته این اختیار برای فردی که مامور نیست و دستگیری شهروندی را انجام داده است، وجود ندارد. همچنین اگر مامور، مبانی متعارفی برای اعتقاد به اینکه دستگیر شده چیزی را مخفی کرده که برای فرار می تواند از آن استفاده کند، حق دارد او را تفتیش نماید (قسمت الف بند ۲ و ۵ ماده ۳۲ قانون ۱۹۸۴). در هر مورد وقتی تفتیش در مکان عمومی انجام می شود، دستگیر شده ملزم نیست، غیر از کت، ژاکت و دستکش، چیز دیگری را در بیاورد (بند ۴ ماده ۳۲ قانون ۱۹۸۴). در خصوص تفتیش و ورود به محل سکونت، اگر مامور مبانی متعارفی برای اعتقاد به کشف ادله ی جرمی که شخص به خاطر آن دستگیر شده در محلی دارد، مامور حق ورود و تفتیش هر محلی که شخص دستگیر شده در زمان دستگیری یا بلافاصله قبل از دستگیری، در آنجا بوده است را با هدف تحصیل دلیل دارد (بند ۲ ماده ۳۲ قانون ۱۹۸۴). این در صورتی است که در مقررات مربوطه در کشور ما اختیارات و تکالیف ضابطان در این رابطه به روشنی مشخص نشده است.

### گفتار سوم: تعدیل در پاسخ به جرم مشهود

قدر مسلم در هر سیاست جنایی، کاهش موارد سلب آزادی به منظور تامین امنیت حقوقی افراد همیشه امنیت واقعی را به دنبال ندارد، بلکه در مواردی این اعطای حق دستگیری و یا محدودیت در آزادی است که باعث توازن و تعادل بین امنیت و آزادی می شود. لذا در این بخش از تحقیق در نظر است به مواردی پرداخته شود که دولت ها با اعطای اختیار به مقامات غیر قضایی و تعدیل در پاسخ، به دنبال امنیت مطلوب و پایدار هستند.

الف) محدودیت و سلب آزادی در سیاست جنایی پیشگیرانه از جرم مشهود: سلب آزادی یا محدودیت در رفت و آمد با هدف پیشگیری از ارتکاب جرم یکی از موضوعات مهم و

قابل بحث در قواعد حقوقی و سیاست جنایی کشورها است. توسل به اقدامات پیشگیرانه و محدود کردن آزادی افراد همیشه بیان کننده وقوع دستگیری یا جلوگیری از فرار اشخاص نیست، بلکه ممکن است به عنوان بخشی از فرایند مدیریت خطر محسوب شود. در نظام حقوقی ایران نمی توان به وضوح مقررات صریحی را در حوزه اختیار سلب آزادی قبل از وقوع جرم مشاهده کرد. حداقل از ظاهر بندهای هفت گانه جرم مشهود و استفاده قانونگذار از کلماتی مثل «بلافاصله پس از وقوع جرم» می توان این گونه برداشت کرد.

فرض مقنن در مصادیق ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی، ارتکاب جرم و حضور ضابطان در محل، بلافاصله پس از آن است. یعنی از نظر قانونگذار صرفاً کشف فوری جرم ارتکاب یافته تحت شرایطی وضعیت مشهود را ایجاد می کند. لذا اگر ارتکاب جرمی را در آینده قریب الوقوع بدانند، مطابق این ماده حقی برای سلب آزادی ندارند، چرا که هنوز جرمی محقق نشده است. هر چند پیشگیری از جرم طبق شقوق بند ۴ ماده ۸ قانون نیروی انتظامی جز وظایف ذاتی ماموران است ولی برای آن مجوز قانونی دستگیری جهت پیشگیری از جرم تجویز نشده است و این امر محتاج نص صریح قانونی است. اما اگر جرمی در اثنای ارتکاب باشد، مداخله ضابطان و سلب آزادی از مرتکب در راستای قطع عملیات اجرایی جرم، با توجه به عبارت های مثل «واقع شود»، «حین وقوع جرم» و یا «در حال وقوع» با وجود سایر شرایط امکان پذیر است. البته در مواردی از مصادیق شروع به جرم، مثل شروع به جرایمی که مجازات قانونی آنها حبس تعزیری درجه شش تا هشت است و قانونگذار برای آنها مجازاتی در نظر نگرفته است، ضابطان ممکن است در وضعیت دشواری قرار گیرند و امکان مداخله و سلب آزادی از شخصی که شروع به ارتکاب چنین جرمی کرده و معمولاً وابسته به اطلاعات حقوقی است، برای آنها مبهم باشد.

در نظام حقوقی انگلستان، طبق ماده ۲۴ قانون ۱۹۸۴ ضابط دادگستری می تواند بدون دستور قضایی، هر شخصی را که براساس مبانی متعارف مظنون به اینکه در تلاش برای ارتکاب جرم است را دستگیر نماید. هر چند این اختیارات، ظاهراً وسیع و مورد انتقاد است

لیکن پیشگیری از جرم، هدفی است که در صورت اعمال ضابطه مند آن، تاثیر قابل توجهی در کنترل جرایم خواهد داشت (Hirschel and others, 2008: 131). در کشور انگلستان سیاست کنترل جرائم در مرحله قبل از جرم فقط به سلب آزادی از افراد در این قانون خلاصه نمی شود، بلکه به عنوان مثال به ماده ۱۶ قانون جرم و بی نظمی<sup>۱</sup> ۱۹۹۸، که به پلیس اجازه می دهد تا دانش آموزان را در شرایط ویژه از اماکن عمومی منتقل کند و آنها را به مدرسه یا محل مناسب دیگر ببرد (sanderson, 2010: 115)، یا می توان به قانون ضد اجتماعی<sup>۲</sup> ۲۰۰۳ اشاره کرد که به دنبال مدیریت خطر<sup>۳</sup> از طریق محدود کردن آزادی تحرک افراد است.

ب) تعدیل موارد دستگیری در جرائم کم اهمیت: اطلاق ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری به ذکر موارد جرم مشهود و عدم تفاوت بین انواع جرائم، این گونه به ذهن متبادر می سازد که مقصود قانونگذار کلیه جرائم باشد، به گونه ای که حتی بلافاصله پس از وقوع جرمی کم اهمیت مثل توهین، بدون اینکه مامور حاضر و ناظر مآوقع باشد، با معرفی شخص خاص بوسیله بزه دیده به عنوان مرتکب جرم، ضابطان حق دستگیری وی به منظور جلوگیری از فرار یا مخفی شدن را داشته باشند. این در حالی است که هدف از اختیار و تکلیف ضابطان در جرائم مشهود، جلوگیری از فرار مرتکبی است که احتمال مخفی شدن دارد و دسترسی به او در آینده غیر ممکن است. لذا در این رابطه به نظر می رسد باید تناسب منطقی بین سلب آزادی متهم و نوع مجازات پیش رو وجود داشته باشد. متن قانونی ماده ۴۵ مورد اشاره، تسری اختیارات ضابطان در سلب آزادی از مظنونان به کلیه جرایم صرف نظر از شدت و اهمیت آنها است. بی تردید تجویز اختیار سلب آزادی به ضابطان در مواردی که جرایم ارتكابی از نظر میزان مجازات در ردیف جرایم کم اهمیت و یا قابل گذشت است که ممکن است منحصراً جزای نقدی باشد، اقدامی خلاف اصول است. به

---

1. crime and Disorder act 1998  
2. Anti social behavior  
3. Risk Management

نظر، قانونگذار باید شرایط دستگیری را در جرائم کم اهمیتی هم چون توهین یا جرائم قابل گذشت، با توجه به غیر ضروری بودن دستگیری محدود و کم نماید تا حتی امکان از موارد غیر ضروری سلب آزادی افراد جلوگیری شود. در نظام حقوق انگلستان طبق ماده ۱۱۰ قانون پلیس و جرم سازمان یافته شدید که از آغاز سال ۲۰۰۶ جایگزین ماده ۲۴ قانون ۱۹۸۴ شد، صرف ارتکاب یک جرم صرف نظر از شدت و اهمیت آن در گذشته، حال و آینده یا ظن متعارف ضابط به وی برای توجیه سلب آزادی از او کفایت نمی کند. در واقع «اصل ضرورت دستگیری» در نظام حقوقی انگلستان اقتضای این را دارد که دستگیری مضمون زمانی موجه است که یک ضرورت قانونی برای این اقدام وجود داشته باشد.

### نتیجه گیری

در نظام حقوقی ایران، قانونگذار به منظور تامین امنیت جانی و مالی شهروندان در برابر بزهکاران و ناقضان قانون، در مواردی که ضرورت پاسخ آنی ایجاب می کند و امکان دسترسی به مقام قضایی نیست، با ذکر مصادیق جرم مشهود، به صورت استثنایی اختیارات ویژه ای نظیر جلوگیری از فرار مرتکب و حفظ صحنه جرم را به مقامات غیرقضایی ضابطان و شهروندان اعطا نموده است. اما در نظام حقوقی انگلستان، مبحثی به نام جرم مشهود وجود ندارد و اختیار دستگیری بدون دستور قضایی برای پلیس در همه جرائم و برای شهروندان در جرائم همراه با کیفرخواست بدون در نظر گرفتن فاصله زمانی بین ارتکاب جرم و اطلاع از وقوع آن وجود دارد. در این نظام پلیس برای دستگیری شهروندان در مواردی که خود با دلایل واقعی یا با ظن متعارف به وقوع جرم پی می برد، حق اقدام دارد و این به علت اختیارات گسترده پلیس است که در نقش نهاد تعقیب عمل می کند، ولی در کشور ایران تعقیب جرائم بر عهده مقام قضایی است و اختیارات ضابطان و حق تصمیم در جرائم مشهود یک استثنا محسوب می شود.

در نظام حقوقی انگلستان، ضابط اجازه دارد، هم جرمی که ارتکاب یافته را و هم جرائم در حال ارتکاب و هم جرائمی که در آینده ارتکاب خواهد یافت را مبنای سلب آزادی از



مظنون قرار دهد. این در حالی است که در ایران، ضابطان فقط طبق قانون، حق مداخله نسبت به جرائم در حال ارتکاب و جرائم ارتکاب یافته را دارند. با توجه به اینکه سلب آزادی پیشگیری محور با تکیه بر احتمالات مجرمانه، ویژگی اصلی نظام های عدالت کیفری مدرن در اکثر جوامع شده است، لازم است در قوانین داخلی به صراحت به این موضوع پرداخته شود، تا حتی امکان قلمرو اختیارات ضابطان در این حوزه مشخص شود. سیاست جنایی ایران در اعطاء اختیارات ویژه ای نظیر جلوگیری از فرار مرتکب و حفظ صحنه جرم به مقامات غیر قضایی، تامین امنیت جانی و مالی شهروندان در غیاب مقام قضایی در موارد خاص با پاسخ آنی است و محدود کردن موارد آن به مصادیق هفت گانه جرم مشهود به منظور رعایت حق بر تامین و حفظ امنیت قضایی شهروندان می باشد. اما در نظام انگلستان، قانونگذار سیاست اعطاء اختیار بیشتر از طریق تعریف ظن معقول را در پیش گرفته است و در این باب خیلی سختگیری به عمل نیاورده است و پیدایش معیار متعارف بودن ظن را از اسباب لازم برای اتخاذ تصمیم آنی به سبب فوریت و مواجه شدن با جرائم و در نهایت تامین امنیت پایدار دانسته است.

در کشور ایران، عدم صراحت قانونگذار به حق تفتیش و بازرسی اشیاء و ورود به منزل اشخاص بدون دستور قضایی، عملاً ضابطان دادگستری و شهروندان را در حالت تردید و شک قرار می دهد. این در حالی است که در حقوق انگلستان به صراحت این اختیار برای فردی که مامور نیست و دستگیری شهروندی را انجام داده است، مطلقاً ممنوع و در مورد ضابطان نیز اگر مبنای متعارفی برای اعتقاد به اینکه دستگیر شده چیزی را مخفی نموده است، حق تفتیش و هر محلی که شخص دستگیر شده در زمان دستگیری یا بلافاصله قبل از دستگیری در آنجا بوده است، با هدف تحصیل ادله را دارد. همچنین اطلاق قانون آیین دادرسی کیفری در ذکر مصادیق جرم مشهود و عدم تفکیک بین انواع جرائم، صرف نظر از شدت و اهمیت جرم، حقوق و آزادی افراد در موارد غیر ضروری به خصوص در جرائم

کم اهمیت و قابل گذشت در معرض تهدید قرار داده است، موضوعی که در انگلستان با وجود اصل ضرورت تا حدودی تعدیل و کاهش یافته است.

در مجموع، قانونگذار در کشور ایران راه برقراری تعادل و تضمین دو حق بنیادی (حق بر امنیت و حق بر تامین) نزد مقامات پلیسی در مرحله کشف جرم را، در احصاء مصادیق جرم مشهود و اعطاء اختیارات ویژه و استثنایی جلوگیری از فرار مرتکب و جمع آوری دلایل و مدارک جرم توسط آنها، فقط در دو مرحله حین و بعد از وقوع جرم دانسته است، چرا که در این نظام حقوقی حق تعقیب جرائم به عهده مقام قضایی است و فقط در مواردی که پاسخ فوری ایجاب می کند و امکان دسترسی به مقام قضایی نیست، این اختیارات به مقامات غیرقضایی ماموران نیروی انتظامی در به عنوان ضابط دادگستری اعطا می شود. اما در نظام حقوقی انگلستان، قانونگذار راه تعادل و توازن را در اعطاء اختیارات گسترده تر به نهاد پلیس می داند تا جایی که خود ماموران پلیس می تواند در نقش نهاد تعقیب در مراحل قبل، حین و بعد از وقوع جرم و بدون در نظر گرفتن فاصله زمانی بین وقوع جرم و اطلاع از آن، پاسخ مناسب را تشخیص و اقدام نماید.

همچنین در این کشور، قانونگذار مقدمات اجرایی شدن سیاست جنایی افتراقی را در وجود ظن متعارف و امکان تفسیر موسع آن در جرائم مهم مثل جرائم تروریستی و تفسیر مضیق آن در جرائم عادی و اختیار سلب آزادی و محدودیت در رفت و آمد افراد در مرحله قبل از وقوع جرم برای مقامات پلیس می داند. به نظر دلیل اصلی و عامل چنین دیدگاهی در نزد نهاد تقنینی دو کشور، مشروعیت تحصیل دلیل در حقوق ایران و قاعده معتبر ناشناختن ادله غیرمشروع در انگلستان باشد، جایی که تضمین رعایت حقوق فردی و احترام به کرامت انسانی و نیز حفظ شأن دادگستری در فرایند تحصیل دلیل را در آن دیده اند.

## منابع

- ۱- اسپنسر، جی آر (۱۳۸۴) آیین دادرسی کیفری در انگلستان، ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی، تهران: انتشارات جنگل، چ اول.
- ۲- انصاری، ولی الله (۱۳۸۰)، حقوق تحقیقات جنایی «مطالعه تطبیقی»، تهران: سمت، چ اول.
- ۳- آنسل، مارک (۱۳۹۱)، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات گنج دانش، چ چهارم.
- ۴- پرویزی فرد، آیت الله (۱۳۹۱) آیین دادرسی کیفری تطبیقی سلب آزادی از متهم در حقوق ایران و انگلستان، تهران: انتشارات جنگل، چ اول.
- ۵- جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۰)، سیاست جنایی مشارکتی، تهران: میزان، چ اول.
- ۶- رضوانی، سودابه (۱۳۹۱)، مدیریت انسان مدار ریسک جرم، تهران: میزان، چ اول.
- ۷- دلماس - مارتی، میری (۱۳۹۳)؛ نظام های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان، چ دوم.
- ۸- صفری کاکرودی، عابدین (۱۳۸۵) «تفتیش منازل و ملاحظات حقوقی آن»، فصلنامه دانش انتظامی، سال هشتم، شماره دوم، صص ۵۲-۷۲.
- ۹- لازرژ، کریستین (۱۳۹۵)، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان، چ دوم.
- ۱۰- معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری (۱۳۸۱) مجموعه آیین دادرسی کیفری، تهران، چ اول.
- ۱۱- هیأت پژوهشگران کاوندیش (۱۳۸۹)، نظام حقوقی انگلستان، ترجمه نسرین مهرا، تهران: میزان، چ دوم.

12- Bogaea, Marius Ciprian(2006); General concepts on flagrant crimes, Aspects de legeferenda and comparative law, Ph.D Bacau, Romania.

13- Bullock, Karen (2014); Citizens, Community and Crime Control; Crime Prevention and Security Management, First published 2014 by PALGRAVE MACMILLAN, University of Surrey, UK.

- 14- Feldman, David (2002); civil liberties and Human Rights in England and wales, second edition, oxford university press.
- 15- Hirschel, David and wakefield. William and sasse scott (2008); criminal justice in England and united states, second Edition, jones and barlett publishers.
- 16- Malson. Kate (2007); the legal system, oxford university prees.
- 17- Murphy. Peter and Eric stockdale, blackstone (2002); criminal practice, oxford university press.
- 18- Sanders. Andrew, Young. Richard and Mandy. Burton (2010); criminal justice, forth edition, oxford university press.

